

مفهوم تصنعی سرمایه در گردش

سید قاسم میرالماسی

مقدمه

روشهای حسابداری در برهه‌های زمانی مختلف و تحت شرایط موجود در آن برهه‌ها ایجاد گردیده‌اند. این روشها گاه چنان در فرایندهای فکری حسابداران به طرز منسجمی رسوخ می‌نمایند که طبیعی و اجتناب ناپذیر تلقی می‌گردند. در نتیجه همواره این امکان وجود دارد که در تحت شرایط و موقعیتهای تغییر یافته این روشها مجدداً بررسی یا ارزیابی نگردند. مبلغی که عموماً به عنوان سرمایه در گردش معروف گردیده، ناشی از تفاوت بین داراییهای جاری و بدهیهای جاری است. در واقع این تفاوت ناشی از کاربرد روشی است که بوسیله آن داراییها و بدهیها به صورت جاری و غیرجاری طبقه‌بندی می‌گردند. این روش در اوایل قرن حاضر و در پاسخ به نیازهای عینی بانکداران تجاری بکار گرفته شد و امروزه از بقایای دوره گذشته محسوب می‌گردد. نگارنده معتقد است که این روش گمراه کننده بوده و باید کنار گذاشته شود.

دلایلی که در ادامه بحث عنوان می‌گردند، عدم سودمندی روش مزبور در ارزیابی توان نقدینگی یک شرکت را مشخص نموده و روش دیگری را در رابطه با این منظور ارائه می‌نمایند، روشی که تفاوت فاحشی با روشهای افشاء فعلی نداشته و انجام آن نیز پرهزینه

نمی‌باشد.

برداشت‌هایی غلط از مفهوم طبقه‌بندی

بسیاری از حسابداران طبقه‌بندی داراییها و بدهیها به صورت جاری و غیرجاری را به عنوان یکی از روشهای مشخص کردن میزان واقعی یا صحیح سرمایه در گردش شرکت می‌پندارند. برای مثال آقای انسون هرریک^۱ که عضو کمیته رویه‌های حسابداری (AICPA) در زمان انتشار بولتن فعلی سرمایه در گردش بوده و خود را مسؤول بسط تعاریف این بولتن از داراییها و بدهیهای جاری می‌دانست، بعدها کار آن کمیته را به شکل زیر توصیف نمود:

«همانطور که این بولتن نشان می‌دهد ... اعتقاد بر این بود که روشهای موجود برای تعیین سرمایه در گردش به دلخواه و بی‌ثبات و بی‌منطق بود و بکرات منجر به عدم حصول مبلغ صحیح سرمایه در گردش می‌گردید و بر این اساس، تهیه روشهایی که این نتایج را به دست دهد، مطلوب واقع می‌گردید. در آن زمان تصور نمی‌رفت که این کمیته کاری بجز ایجاد یک مفهوم منطقی‌تر از سرمایه در گردش که به دلیل دقیق‌تر بودن، مفیدتر نیز باشد، داشته باشد». بر خلاف مفروضات آقای Herrick، طبقه‌بندی جاری و غیرجاری مانند همه طبقه‌بندیهای دیگر کاوشی جهت دستیابی به یک واقعیت نمی‌باشد. طبقه‌بندی یک فعالیت هدفمند است. اینکه ما چیزها را چگونه طبقه‌بندی می‌کنیم یا اصلاً طبقه‌بندی می‌کنیم یا نمی‌کنیم بستگی به اهدافی دارد که توسط آن طبقه‌بندی می‌خواهیم به آنها دست یابیم. آنچه که ما به انسجام اطلاق می‌کنیم و مرزی که بین یک طبقه از اشیاء و طبقه دیگر قائل می‌شویم، بستگی به منافع و اهداف ما از طبقه‌بندی دارد.

طبقه‌بندی آن طور که در باور همگان گنجانده شده وسیله‌ای جهت تشخیص هویت نیست، بلکه صرفاً انعکاسی از آسودگی و ضرورت‌های جمعی است. ضرورت‌های گوناگون همواره طبقه‌بندی‌های متفاوتی را بدست می‌دهند.

اصطلاحات داراییها و بدهیهای جاری معنی حقیقی مستقل از اهدافی که در تعاریف آنها

1- Anson Herrick, "Comments by Anson Herrick", Jofa Nov. 60. P. 52.

در نظر گرفته شده است، ندارند. این اصطلاحات می‌توانند جهت مقاصد گزارشگری مالی به طرق گوناگون تعریف شوند. جستجوی تعاریف حقیقی داراییها و بدهیهای جاری یا تعاریفی که ماهیت، جوهر یا ویژگیهای بنیانی داراییها و بدهیهای جاری یا سرمایه در گردش را مشخص کنند فقط منجر به ابهام، و نهایتاً ناکامی می‌گردد.

روش حاضر مفید نیست

هدف اولیه طبقه‌بندی داراییها و بدهیها به جاری و غیرجاری فراهم آوردن اطلاعات مفید در خصوص ارزیابی توان نقدینگی یک شرکت می‌باشد، فصل A - ۳ از بولتن شماره ۴۳ تحقیقات حسابداری (تصریح و تجدید نظر بولتنهای تحقیقات حسابداری) تحت عنوان داراییها و بدهیهای جاری با این جمله شروع می‌شود:

«سرمایه در گردش یک شرکت جهت اخذ وام همواره درصدر توجهات اعطاء کننده اعتبار قرار دارد». لئوپولد عنوان می‌نماید که «معروفیت سرمایه در گردش در نزد عموم به مثابه معیار نقدینگی و سلامت مالی کوتاه مدت آن قدر گسترده می‌باشد که به ندرت نیاز به تهیه مدرک و سند دارد».^۱

طبقه‌بندی داراییها و بدهیها به جاری و غیر جاری، حداقل به سه شکل باید در ارزیابی توان نقدینگی یک شرکت مفید باشد:

- ۱- به عنوان وسیله‌ای جهت افشاء خصایص مهم داراییها و بدهیها
- ۲- به عنوان ابزاری جهت پیش‌بینی ناتوانی مالی
- ۳- به عنوان وسیله‌ای جهت افراد علاقه‌مند به محاسبه نسبتهای مالی.

1- Chapter 3A, "Current Assets and Current Liabilities", Accounting Research Bulletin No. 43, Restatement and Revision of ARB (New York: AICPA, 1953).

2- Leopold A. Bernstein, Financial Statement Analysis Theory, Application and Interpretation Rev. ed. (Homewood, Ill. R. O. Irwin, Inc. 1978), P. 447.

ناتوانی در افشاء خصایص

یک پیش نیاز برای برقراری ارتباط مؤثر خصایص از طریق طبقه‌بندی آن است که همه اقسام طوری طبقه‌بندی شوند که دارای یک خصوصیت مشترک باشند. این خصوصیت معیاری است که برای تقسیم اقسام به طبقات مختلف بکار می‌رود. تنها در این صورت است که کسی که قصد استفاده از داده‌های طبقه‌بندی شده دارد، متوجه می‌گردد که چنانچه یک مورد به شکل خاصی طبقه‌بندی شده باشد دارای خصوصیت خاصی است. ارتباط خصایص تقریباً یکی از کارکردهای اصولی همه اشکال طبقه‌بندی است.

طبقه‌بندی فعلی ترازنامه در ادبیات حسابداری بی‌ثبات، غیر منطقی و نامعقول توصیف شده است، زیرا اقلامی که به صورت جاری طبقه‌بندی شده‌اند، خصوصیت معناداری را به اشتراک ندارند. به عبارتی دیگر خصوصیتی قابل تشخیص در همه داراییهایی که به صورت جاری طبقه‌بندی گردیده‌اند وجود ندارد که در تمامی داراییهایی که به صورت غیرجاری طبقه‌بندی شده‌اند وجود نداشته باشد.

برای مثال، فیلیپ. ا. فس می‌گوید: «طبقه‌بندی یک پیش پرداخت بیمه سه ساله به صورت جاری زمانی که ماشین آلات مورد بیمه که دارای طول عمر سه ساله می‌باشند به صورت غیرجاری طبقه‌بندی می‌گردند، متناقض و غیرمنطقی است»^۱ و یا شرکت آرتور اندرسن منطق طبقه‌بندی موجودیهای نفت خام در مخازن به صورت جاری، در حالی که ذخایر زیرزمینی مشابه به صورت غیرجاری طبقه‌بندی می‌شوند را مورد سؤال قرار داده»^۲ و یا در جایی دیگر هویزینگ طبقه‌بندی جاری مواد و ملزوماتی که برای نگهداری داراییهای ثابت مورد استفاده قرار می‌گیرند را نامعقول و متناقض خوانده زیرا، داراییهای ثابت خود به

1- Philip E. Fess, "The Working Capital Concept", Accounting Review, April 1966, P. 267.

2- Arthur Andersen & Co. Accounting and Reporting Problems of the Accounting Profession, 4th ed. (Chicago, Ill), PP. 169 & 173-74.

صورت غیرجاری طبقه‌بندی می‌شوند. در هر سه مورد فوق مسأله اساسی این است که بخشی از داراییهایی که به صورت جاری طبقه‌بندی گردیده‌اند با سایر داراییهای جاری دارای خصوصیت مشترکی نمی‌باشند که آنها را از داراییهایی که به صورت غیر جاری طبقه‌بندی گردیده‌اند، متمایز سازد.

به جهت اینگونه طبقه‌بندی سؤال برانگیز داراییها، توصیف داراییها به صورت جاری و غیرجاری هیچ اطلاعات مفیدی درباره آن بدست نمی‌دهد. داراییهایی که به عنوان جاری طبقه‌بندی شده‌اند را نمی‌توان به عنوان داراییهایی که به طور عادی در یک سال تبدیل به وجه نقد می‌شوند توصیف نمود زیرا، بسیاری از داراییها که بدین صورت تبدیل نمی‌شوند، به صورت جاری طبقه‌بندی می‌گردند، ضمن اینکه سایر داراییهایی که قابل تبدیل به وجه نقد هستند به صورت غیرجاری طبقه‌بندی می‌گردند. همچنین داراییهایی که به عنوان جاری طبقه‌بندی شده‌اند را نمی‌توان به صورت داراییهایی که به طور معقول انتظار می‌رود، تا در طی چرخه عملیاتی عادی شرکت به صورت نقد بازیافت گردیده، فروخته و یا مصرف شوند، توصیف نمود زیرا، بسیاری از داراییها که بدین صورت در طی چرخه عملیاتی بعدی (طول مدتش هر چقدر که باشد) بازیافت خواهند شد (مانند بخشی از کارخانه و تجهیزات و داراییهای کاهش پذیر) در این طبقه گنجانده نمی‌شوند. همچنین داراییهایی که به عنوان جاری طبقه‌بندی شده‌اند را نمی‌توان به صورت منابعی توصیف نمود که جهت پرداخت بدهیهای جاری مورد استفاده قرار می‌گیرند زیرا، وجه نقدی که با استفاده از تمامی داراییهای شرکت تولید می‌گردد برای پرداخت بدهیها (اعم از جاری و غیر جاری) بکار می‌رود.

بنابر این تنها خصوصیتی که مشترکاً همه داراییهای طبقه‌بندی شده به صورت جاری دارند آن است که داراییهایی هستند که تحت روش پذیرفته شده کنونی به صورت جاری طبقه‌بندی می‌شوند و این خصوصیت هیچگونه محتوای اطلاعاتی در رابطه با ارزیابی قابلیت نقدینگی یک سرمایه‌گذاری تجاری در اختیار فرد یا افرادی که از صورتهای مالی استفاده می‌کنند نمی‌گذارد. همین انتقاد بر روش فعلی در طبقه‌بندی بدهیها وارد است. یک بدهی

جاری را فقط می‌توان به شکل یک بدهی توصیف نمود که به صورت جاری طبقه‌بندی می‌گردد.

افشاء گمراه کننده

بسیاری از قواعد طبقه‌بندی که در عمل پیروی می‌شوند در مبادله اطلاعات ناکام هستند. تصور و یا باور ذهنی افراد استفاده کننده از اطلاعات مالی بر این است که حسابداران داراییها و بدهیها را بر اساس یک خصوصیت مشترک طبقه‌بندی می‌کنند ولی، در عمل هنگامی که حسابداران معیاری کاملاً متفاوت را بکار می‌برند این مسأله باعث گمراهی استفاده کننده می‌گردد. فرضاً اگر برای فردی چنین مفهوم شده باشد که طبقه‌بندی داراییهای جاری بر اساس قابلیت نقدینگی داراییها (طی چرخه عادی عملیات واحد تجاری یا ظرف یکسال، هر کدام طولانی تر است) می‌باشد و سپس پیش پرداخت بیمه سه ساله نیز جزو داراییهای جاری تلقی شود، این فرد گمراه خواهد شد. بر همین اساس فردی که از قاعده فوق استفاده می‌کند، با طبقه‌بندی ذخایر نفتی زیرزمینی به عنوان داراییهای غیر جاری (که به طور معقول انتظار برود طی یکسال فروخته شوند) در واقع گمراه می‌گردد.

پیش بینی ضعیف ناتوانی مالی

یک راه ارزیابی مفید بودن اطلاعات مالی، اندازه گیری توانایی این اطلاعات در پیش بینی نتایج رویدادهای آتی می‌باشد. این شیوه توسط چند تن از محققین در سالهای اخیر برای ارزیابی مفید بودن نسبتهای مالی در پیش بینی ناتوانی مالی مورد استفاده قرار گرفته است. در این خصوص یکی از مطالعات Beaver¹ به طور خاص مطرح می‌باشد زیرا این مطالعه بیشتر در رابطه با توان پیش بینی نسبی انواع مختلف نسبتها است و نه در خصوص توان پیش بینی یک گروه کلی از نسبتها.

1- William H. Beaver, "Alternative Accounting Measures as Predictors of Failure", Accounting Review, Jan. 1988. PP. 112-22.

Beaver نسبتها را بر اساس طبقه‌بندی جاری - غیرجاری بنا نهاد تا به صورت نرمال برآورد کننده‌هایی از وقوع یک ورشکستگی باشند. در پنج سال قبل از ورشکستگی تقریباً هیچ یک از نسبتها به مانند نسبتهای موجودی نقد به جمع بدهیها و سود خالص به جمع داراییها یا کل بدهیها به کل داراییها قادر به پیش‌بینی خوبی از ورشکستگی نبودند. در چهار سال از پنج سال قبل از ورشکستگی نسبت جاری نتوانسته بود حتی به اندازه نسبت موجودی نقد به جمع داراییها ورشکستگی را پیش‌بینی نماید.

با توجه به مطلب فوق می‌توان عنوان نمود که حسابداران باید به طبقه‌بندی داراییها و بدهیها به عنوان وسیله‌ای در خدمت استفاده کنندگان از نسبتهای جاری و سایر نسبتهای سرمایه در گردش، به شکلی ادامه دهند که نیاز استفاده کنندگان مزبور به طبقه‌بندیهای فوق به طور صحیح برطرف گردد. بواسطه عدم وجود چنین طبقه‌بندی در عمل، بسیاری از استفاده کنندگان طبقه‌بندی حسابداران را نادیده گرفته و به طریقی که خود می‌خواهند طبقه‌بندی انجام می‌دهند. برای مثال هنگامی که در بخش A - ۳ از ARB شماره ۴۳ تعریف داراییهای جاری با عبارت «برای اهداف حسابداری ... آغاز گردید آقای Foulke^۱ ابراز نمود: «این تعریف آن طور که از سه کلمه اول آن مشخص می‌شود برای اهداف بستانکاران، مدیران و یا اهداف تحلیلی ارائه نگردیده است، این تعریف فقط برای اهداف حسابداری می‌باشد». سپس او خود دارایی‌هایی را که معتقد است باید به صورت جاری طبقه‌بندی شوند فهرست نموده و در این رابطه ملزومات مصرفی، مواد و قطعات لازم برای تعمیر و نگهداری، دریافتنی‌ها از کارمندان و مخارج پیش‌پرداخت شده را از فهرست دارایی‌های جاری حذف می‌نماید.

روشی جدید در ارزیابی قابلیت نقدینگی

طبقه‌بندی جاری - غیرجاری اساساً در چارچوب این باور می‌تواند مورد قبول واقع گردد که منجر به ارائه اطلاعاتی مفید به استفاده کنندگان برآورد میزان حاشیه ایمنی، در صورت

1- Roy A. Foulke, Practical Financial Statement Analysis, 6th ed. 1988, P. 71, McGraw-Hill, Inc.

بروز ورشکستگی شود. یک نسبت جاری، دو به یک، به نظر به معنای آن است که اگر دارایی‌های جاری به میزان ۵۰٪ کاهش یابد بستانکاران جاری هنوز می‌توانند طلب خود را مطالبه کنند ولی، بعد از آن چه می‌شود و چه باید کرد. امروزه استفاده کنندگان از صورتهای مالی به این نتیجه رسیده‌اند که آنها بعد از یک ورشکستگی هیچگاه حقیقتاً موقعیت اقتصادی اولیه خود را باز نخواهند یافت و بنابراین نیاز اولیه آنها این است که اطلاعاتی داشته باشند تا دریابند که آیا سرمایه‌گذاری فعلی قابلیت نقدینگی خود را حفظ می‌نماید یا خیر. در این راستا طبقه‌بندی جاری - غیر جاری و هر نوع کوششی جهت برقراری ضوابط لازم جهت هر یک از طبقات فوق مانند پذیرش قاعده طبقه‌بندی یکساله ساده اندیشی بوده و مضمثر نخواهد شد. روش ارزیابی نقدینگی جدید بر مبنای برآوردهای استفاده کنندگان از دریافتها و پرداختهای نقدی آتی و ارزیابی انعطاف پذیری مالی شرکت استوار است.

در پاسخ به این سؤال که چرا یک سیستم طبقه‌بندی جاری - غیرجاری راه حلی بی‌تأثیر در ارائه اطلاعات مورد نیاز استفاده کنندگان در برآورد دریافتها و پرداختهای نقدی آتی شرکت و ارزیابی انعطاف پذیری مالی آن می‌باشد، دو دلیل اساسی وجود دارد:

۱- جهت افشای تمامی اطلاعات مربوط به داراییها و بدهیها به بیش از دو طبقه احتیاج است. به عنوان مثال، دریافتنی‌ها و پرداختنی‌ها باید بوسیله زمان سررسید به بیش از دو طبقه تقسیم شوند تا استفاده کنندگان بتوانند پرداختهای لازم و دریافتهای نقدی یک شرکت را برآورد نمایند.

۲- کاربرد ضابطه‌ای به طور یکسان جهت طبقه‌بندی تمامی داراییها و بدهیها درست نمی‌باشد. به عنوان مثال موجودیها را نمی‌توان بر همان اساس که حسابهای دریافتنی به جاری و غیر جاری تقسیم می‌گردند طبقه‌بندی نمود زیرا، معلوم نیست که موجودی در چه وقت فروخته خواهد شد. طبقه‌بندی موجودیها به جاری و غیرجاری ممکن است شاخص گمراه‌کننده‌ای جهت برآورد گردش نقدی آتی فراهم سازد. بدین ترتیب افزایش نسبت جاری ممکن است موجب پنهان ماندن دریافتنی‌های کند و موجودیهای کم گردش و یا بی‌گردش گردد.

وصیه جایگزینی جهت روش حاضر

آنچه که ضروری به نظر می‌رسد شیوه‌ای تازه در تهیه اطلاعات مفید جهت ارزیابی ندینگی می‌باشد. روشهای زیر به عنوان جایگزینی جهت طبقه‌بندی جاری - غیرجاری وصیه شده است.

- ۱- افشاء اطلاعات تکمیلی درباره خصایص داراییها و بدهیهای خاص.
- ۲- طبقه‌بندی بدهیها بر اساس انواع مختلف منابع اعتبار که در اختیار واحد تجاری می‌باشد.
- ۳- مرتب کردن داراییها به ترتیب پذیرفته شده‌ای که اکنون استفاده می‌شود ولی بدون رنظر گرفتن طبقات جاری و غیر جاری.

۱- افشاء اطلاعات تکمیلی

علاوه بر اطلاعاتی که اکنون در یادداشتهای همراه صورتهای مالی افشاء می‌شود، لاقه‌مندان به ارزیابی توان نقدینگی، باید اطلاعاتی درباره مبالغ و زمان بندی دریافتها و پرداختهای نقدی حاصل از حسابهای دریافتنی و پرداختنی در دست داشته باشند. چنین اطلاعاتی به آنها کمک می‌کند تا دریافتها و پرداختهای نقدی لازمه شرکت را برآورد کنند. ای مثال افزایش زمان وصول وجه از محل حسابهای دریافتنی شرکت ممکن است بیانگر کاهش نقدینگی شرکت در دوره مالی آتی باشد.

افشاء مبالغ و زمان بندی پرداختها و دریافتها را نمی‌توان صرفاً با نشان دادن زمان رسید حسابهای دریافتنی و پرداختنی نشان داد. بسیاری از پرداختها و دریافتها با زشهای فعلی خود سنجدیده می‌شوند نه با مبالغ نقدی که باید در دوره مالی آینده پرداخت یا زیافت نمود. فرضاً در شرکتی که یک میلیون ریال اوراق بهادار ۱۰ درصدی ۱۰ ساله به بمت اسمی انتشار می‌دهد، یک بدهی یک میلیون ریالی را در ترازنامه خود نشان می‌دهد لی‌رغم اینکه در واقع متعهد به پرداخت ۲ میلیون ریال می‌باشد (۱۰۰۰۰۰۰ ریال در سال به مدت ۱۰ سال بعلاوه یک میلیون ریال دیگر در انتهای سال دهم). بنابراین مبلغ و زمان بندی نریانهای نقدی حاصل از دریافتنیها و پرداختنیها باید در یک جدول جداگانه افشاء شود در متن ترازنامه.

۲- طبقه‌بندی بدهیها بر اساس منابع اعتباری

هانت، ویلیامز و دونالدسون بین دو منبع اساسی اعتبار که در اختیار یک شرکت می‌باشد تفاوت قائل شده‌اند. این دو منبع عبارتند از:

۱-۲- منابع غیر توافقی

۲-۲- منابع توافقی

۱-۲- منابع غیر توافقی آن دسته از اعتبارات هستند که در نتیجه عملیات سودبخش واحد تجاری بدون اینکه تلاشی خاص یا تصمیمی هشیارانه از سوی صاحبان و مدیران شرکت بوقوع بپیوندد، ایجاد می‌گردند. این قبیل اعتبارات شامل اعتبارات تجاری عادی، هزینه‌های معوق و مالیاتهای معوق می‌باشند.

۲-۲- منابع توافقی منابعی هستند که نیاز به تلاشی هشیارانه و مذاکرات خاص توسط صاحبان و مدیران شرکت دارند مانند وامهای بانکی، فروش اسناد تجاری، فروش اوراق قرضه، خرید اقساطی و تأمین مالی به شکل اجاره‌های بلند مدت.

تفاوت در میزان استفاده از منابع غیر توافقی و توافقی متأثر از ارزیابی انعطاف پذیری مالی شرکت و برآورد نیازهای نقدی آتی آن می‌باشد. این میزان مرتبط با ارزیابی انعطاف پذیری مالی شرکت است زیرا ملاحظات تعیین کننده متفاوتی میزان اعتبار موجود از هر کدام از منابع فوق را تعیین می‌کنند. مبلغ در دسترس ناشی از منابع غیر توافقی بستگی به ملاحظات مانند حجم خریدهای موجودی و ملزومات، شرایط اعتبار خاص فروشندگان موجودی و ملزومات به شرکت و رویه‌های معمول مانند تعدد پرداختهای حقوق و دستمزد دارد. اعتبار حاصل از منبع غیر توافقی ارتباط مستقیم با فروش شرکت داشته و با افزایش فروش افزایش و کاهش فروش کاهش می‌یابد.

اعتبار حاصل از منابع توافقی بیشتر به ارزیابی وام دهنده از توانایی یک شرکت در بازپرداخت وام در سررسید آن بستگی دارد. میزان کل اعتبار موجود جهت یک شرکت از

محل اعتبارات غیرتوافقی به طیف نسبتاً کوچکتری محدود می‌شود. این میزان تا حد خاصی ارزان یا حتی بدون هزینه می‌باشد ولی در ورای آن حد بسیار پرهزینه می‌گردد زیرا، تخفیفهای نقدی حذف می‌شوند، فروشندگان از ارسال کالاها خودداری می‌کنند و غیره ... میزان اعتبار حاصل از منابع توافقی بسته به ارزیابی طلبکاران از وضعیت اعتبار شرکت، بسیار متغیر است. تفاوت بین منابع غیرتوافقی و توافقی از طرف دیگر به برآورد نیازهای نقدی آتی یک شرکت نیز مرتبط می‌گردد. بدهیهایی که ناشی از منابع غیر توافقی هستند به شکلی خودکار کم و بیش جایگزین می‌گردند. به عبارتی دیگر به طور مستمر و کم و بیش بدهیهای جدید جایگزین بدهیهایی که پرداخت می‌گردند می‌شوند.

بنابر این منظور نمودن بدهیهای غیر توافقی یک شرکت در هنگام برآورد نیاز آتی به وجه نقد ضروری نیست مگر اینکه دلیلی خاص وجود داشته باشد. به دلیل اینکه بدهیهای مزبور مستقیماً با میزان فروش شرکت تغییر می‌یابند چنانچه شرکت جهت سال آتی برآوردی مبنی بر کاهش حجم فروش داشته باشد لذا در جهت بازپرداخت بدهیهای غیرتوافقی موجود می‌باید مبالغ آنها را در نیازهای نقدی آتی خود منظور نماید.

از طرف دیگر از آنجایی که در خصوص بدهیهای توافقی (چه کوتاه مدت و چه بلند مدت) تصور غالب بر پرداخت آنهاست در نتیجه در برآورد نیازهای آتی یک شرکت باید آنها را مد نظر قرار داد. در رابطه با بدهیهای مزبور ممکن است چنین به نظر آید که آنها نیز به مانند بدهیهای غیرتوافقی به شکلی خودکار قابل جایگزینی است. ولی باید در نظر داشت که جایگزینی در رابطه با بدهیهای مزبور به مانند بدهیهای غیرتوافقی به شکلی خودکار نمی‌باشد. زیرا، به مسائلی چون خرید اجناس به صورت روال عادی و پرداخت دستمزدها و مالیاتها مرتبط نمی‌باشد، جایگزینی چنین بدهیهایی مستلزم مذاکرات وسیع با طلبکارانی است که در این خصوص وضعیت اعتباری شرکت توسط آنها مجدداً ارزیابی خواهد شد.

حفظ ترتیب پذیرفته شده ارائه داراییها بدون در نظر گرفتن طبقه‌بندی

جاری و غیرجاری

در صورتهای مالی بیشتر صنایع، داراییها در ترازنامه به ترتیب وجوه نقد، اوراق بهادار

قابل فروش، دریافتنیهای تجاری، موجودیها و غیره ارائه می‌شوند. این ترتیب اهمیت خاصی ندارد ولی استفاده کنندگان از صورتهای مالی و حسابداران با آن آشنا می‌باشند، بدین لحاظ از آنجایی که تغییر در ترتیب ارائه داراییها محتملاً موجبات سردرگمی استفاده کنندگان را فراهم خواهد نمود لذا داراییها را باید به همین ترتیب قراردادی طبقه‌بندی نمود.

تشریح تغییرات توصیه شده

ترازنامه و جدول ضمیمه دریافتنیها و بدهیهای مالی در صفحات بعد شکل ترازنامه مورد نظر و انواع افشاءهای اضافی توصیه شده را منعکس می‌نماید. بدهیها در سه طبقه عملیاتی، مالیاتی و تأمین مالی منعکس گردیده‌اند. بدهیهای عملیاتی و مالیاتی از منابع غیرتوافقی و بدهیهای تأمین مالی از منابع توافقی حاصل می‌گردند. اصطلاح بدهیهای تأمین مالی بیشتر از بدهیهای توافقی مورد استفاده قرار می‌گیرد زیرا، به نظر راحت‌تر فهمیده می‌شود.

اطلاعات مرتبط با سررسید حسابهای دریافتنی و پرداختنی در جدول ضمیمه ترازنامه که موسوم به جدول سررسید حسابهای دریافتنی و بدهیهای تأمین مالی می‌باشد منعکس گردیده است. جمع مبالغ دریافتنی و پرداختنی منعکس در جدول مزبور با ارقام منعکس در ترازنامه به میزان بهره دریافتنی و پرداختنی تفاوت دارند. مبالغ دریافتنیهای سررسید گذشته از آنجا که معرف چگونگی وصول دریافتنیهای شرکت می‌باشند جداگانه ارائه می‌گردند.

طی سالیان متمادی بوضوح روندی در جهت افشاء اطلاعات بیشتر در رابطه با ویژگیهای داراییها و بدهیهای خاص در یادداشتهای همراه صورتهای مالی وجود داشته است. عمده اطلاعات افشاء شده در رابطه با ارزیابی انعطاف پذیری مالی و برآورد دریافتها و پرداختهای نقدی آتی شرکت می‌باشد. افشاء تعهدات اعتباری، شرایط سپرده‌های تضمینی و حداقل مبالغ پرداختنی در سررسید اجاره‌های بلند مدت مثالهایی در این خصوص می‌باشند. بی‌شک در آینده افشاءهای دیگری نیز ارائه خواهد شد. نکته‌ای که باید در هنگام بروز افشاءهای جدید در نظر گرفت، این است که آیا منطقاً افشاء جدید در ارزیابی انعطاف پذیری مالی و برآورد دریافتها و پرداختهای نقدی آتی یک شرکت می‌تواند مفید واقع شود؟

ترازنامه

شرکت نمونه

(ارقام به میلیون ریال)

۱۲/۲۹/۸۱	۱۲/۲۹/۸۲	داراییها
۱۵۶۶۶	۲۱۹۶۸	وجوه نقد
۲۱۵۲۱	۱۸۴۵۹	اوراق بهادار (ارزش بازار ۲۳۶۰۸ و ۲۹۱۹۸ میلیون ریال)
۶۶۲۷۶	۷۰۱۴۳	حسابها و اسناد دریافتی تجاری
(۹۰۶)	(۹۷۳)	ذخیره مطالبات مشکوک الوصول
۶۵۳۷۰	۶۹۱۷۰	خالص حسابها و اسناد دریافتی
		موجودیها
۶۲۱۰۲	۷۳۶۱۰	کالای ساخته شده
۱۶۹۹۸	۲۲۱۰۹	کالای در جریان ساخت
۱۰۶۰۵	۱۳۱۶۷	مواد خام و ملزومات
۸۹۷۰۵	۱۰۸۸۸۶	جمع موجودیها
۵۲۲۲	۸۱۶۴	پیش پرداختها
		اموال
۳۱۹۱۰۱	۳۴۹۶۱۵	زمین، ساختمانها و تجهیزات (به بهای تمام شده)
(۱۲۵۵۹۱)	(۱۳۶۱۷۱)	استهلاک انباشته
۱۹۳۵۱۰	۲۱۳۴۴۴	خالص اموال
۳۸۷۳	۱۶۰۹	سایر داراییها
۳۹۴۸۶۷	۴۴۱۷۰۰	جمع داراییها

ارقام به میلیون ریال

x۱/۱۲/۲۹	x۲/۱۲/۲۹	بدهیها و حقوق صاحبان سهام
		بدهیهای عملیاتی (به سرسید یکسال)
۴۹۵۱۸	۴۷۶۶۲	حسابها و اسناد پرداختی تجاری
۲۶۴۰۱	۲۹۶۰۱	هزینه‌های معوق
<u>۷۵۹۱۹</u>	<u>۷۷۲۶۳</u>	جمع
		بدهیهای مالیاتی
۱۱۹۹۶	۱۳۰۶۱	بابت درآمد مشمول مالیات گزارش شده
۴۱۱۱	۳۹۰۶	بابت مالیات تکلیفی
۳۷۶۰۵	۳۹۶۶۴	بابت تفاوت‌های زمان بندی استهلاك
<u>۵۳۷۱۲</u>	<u>۵۶۶۳۱</u>	جمع بدهیهای مالیاتی
		بدهیهای تأمین مالی
۱۵۵۱۳	۴۸۶۰۵	اسناد پرداختی به بانک
۲۸۰۰۰	۲۶۰۰۰	دیون رهنی پرداختی
۲۵۰۰۰	۲۵۰۰۰	اوراق قرضه پرداختی به سرسید x۵/۱۲/۲۹
<u>۶۸۵۱۳</u>	<u>۹۹۶۰۵</u>	جمع بدهیهای تأمین مالی
<u>۱۹۸۱۴۴</u>	<u>۲۳۳۴۹۹</u>	جمع بدهیها
		حقوق صاحبان سهام
۷۰۰۰۰	۴۰۰۰۰	سهام ممتاز ۵٪ قابل تبدیل به ارزش اسمی ۱۰۰۰۰ ریال
۷۰۰۰۰	۹۰۰۰۰	سهام عادی به ارزش اسمی هر سهم ۱۰۰۰ ریال
۲۴۱۱۴	۴۱۶۰۹	صرف سهام
<u>۳۲۶۰۹</u>	<u>۳۶۵۹۲</u>	سود (زیان) انباشته
<u>۱۹۶۷۲۳</u>	<u>۲۰۸۲۰۱</u>	جمع حقوق صاحبان سهام
<u>۳۹۴۸۶۷</u>	<u>۴۴۱۷۰۰</u>	جمع بدهیها و حقوق صاحبان سهام

جدول سررسید حسابهای دریافتنی و بدهیهای تأمین مالی

x۱/۱۲/۲۹	x۲/۱۲/۲۹	
		حسابها و اسناد دریافتنی تجاری
۱۲۰۶	۱۳۹۸	سررسید گذشته
۳۶۶۹۲	۳۷۱۱۱	به سررسید یکسال
۲۱۶۰۵	۲۴۹۰۶	به سررسید دو سال
۱۰۳۳۱	۹۲۰۵	به سررسید سه سال
۴۰۳۴	۴۹۱۵	به سررسید بیش از سه سال
<u>۷۳۸۶۸</u>	<u>۷۷۵۳۵</u>	جمع
۷۵۹۲	۷۳۹۲	کسر می شود: مبالغ بهره
<u>۶۶۲۷۶</u>	<u>۷۰۱۴۳</u>	مانده طبق ترازنامه
		بدهیهای تأمین مالی
۲۳۰۵۴	۲۸۴۳۵	به سررسید یکسال
۵۸۳۰	۱۵۶۷۰	به سررسید دو سال
۵۶۷۰	۱۵۵۱۰	به سررسید سه سال
۵۵۱۰	۱۵۳۵۰	به سررسید چهار سال
۵۳۵۰	۱۵۱۹۰	به سررسید پنج سال
۲۴۳۵۰	۲۳۵۵۰	به سررسید شش تا ده سال آتی
۲۰۳۵۰	۱۷۷۱۰	به سررسید یازده تا ۱۵ سال آتی
۳۵۵۰۰	۳۳۷۵۰	به سررسید بعد از ۱۵ سال آتی
<u>۱۳۵۶۱۴</u>	<u>۱۶۵۱۶۵</u>	جمع
۵۷۱۰۱	۶۵۵۶۰	کسر می شود: مبالغ بهره
<u>۶۸۵۱۳</u>	<u>۹۹۶۰۵</u>	مانده طبق ترازنامه

پیشنهاد

پیشنهاد این است که اطلاعات اضافی در رابطه با ویژگیهای داراییها و بدهیهای خاص به عنوان جانشینی برای طبقه‌بندی داراییها و بدهیها به صورت جاری - غیر جاری افشاء گردد. این پیشنهاد نیاز به دوری چندانی از روشهای افشاء موجود ندارد و انجام آن پرهزینه نیست. منطبق مشخصه این روش آن است که اطلاعات مفیدتری نسبت به روش موجود (طبقه‌بندی جاری - غیر جاری) جهت ارزیابی توان نقدینگی یک شرکت بدست می‌دهد. این روش در جهت محاسبه نسبت جاری و سایر مقادیری که بر اساس مفهوم سرمایه در گردش به عنوان وسیله سنجش نقدینگی محسوب می‌گردند، تبیین شده و بر افشاء اطلاعات اضافی به شکلی که بتوان آنها را تلفیق نموده و به طرق مختلف و مرتبط با ابعاد نقدینگی تحلیل صورتهای مالی بکار برد تأکید دارد.

منابع و مآخذ

- 1- Loyd C. Heath, "Is Working Capital Really Working?", *Journal of Accountancy*, August 1980, PP. 55-62.
- 2- Leopold A. Bernstein, *Financial Statement Analysis Theory, Application and Interpretation*, rev. ed. (Homewood, 111.: Richard D. Irwin, Inc., 1978), P. 447.
- 3- Philip E. Fess, "The Working Capital Concept", *Accounting Review*, April 1966, P. 267.
- 4- William H. Beaver, "Alternative Accounting Measures as Predictors of Failure", *Accounting Review*, January 1968, PP. 113-22.